

Submit Date: 25 December 2025

Revise Date: 14 May 2026

Accept Date: 22 May 2026

Initial Publish: 25 May 2026

Final Publish: 22 June 2027

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## Examples and Effects of Defects of Consent in Contracts in Iran, England, and Egypt

Mohammad Shakarami<sup>1</sup>, Hamidreza Ali Karimi<sup>\*2</sup>, Akbar Rajabi<sup>3, 4</sup>

1. Ph.D. Student, Department of Law, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran

2. Department of Law, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran

3. Department of Law, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran

4. Department of Jurisprudence and Law, Khom.C., Islamic Azad University, Khomein, Iran

\* Corresponding Author's Email: h.r.alikarami@iau.ac.ir

### ABSTRACT

Defects of consent refer to particular circumstances that undermine the validity or diminish the effectiveness of intention and consent, and consequently affect the validity of the contract itself. This study examines the examples and effects of defects of consent in Iran, England, and Egypt through a descriptive, analytical, and comparative method. The findings indicate that duress and mistake are recognized as the two principal defects of consent in all three legal systems under study. Fraudulent misrepresentation is explicitly recognized as a defect of consent in English and Egyptian law; however, in Iranian law, it may implicitly be regarded as a defect of consent. Undue influence is considered an independent category of defect of consent in English law, whereas in Iranian and Egyptian law some of its manifestations may be treated as forms of duress and therefore classified as defects of consent. The effect of duress in all three jurisdictions is the possibility of annulment. The general effect of mistake in English law is nullity, whereas in Iranian and Egyptian law a distinction must be drawn between different types and situations of mistake. Fraudulent misrepresentation is not formally categorized as a defect of consent in Iranian law; nevertheless, due to its close relationship with mistake, it substantively results in impairment of consent. The possibility of claiming damages in cases of fraudulent misrepresentation under English law, as well as the imposition of limitations on actions arising from defects of consent in Egyptian law, may constitute practical solutions capable of application within the Iranian legal system regarding defects of consent.

**Keywords:** *Defects, Defects of Consent, Iranian Law, English Law.*



تاریخ ارسال: ۴ دی ۱۴۰۴  
 تاریخ بازنگری: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۵  
 تاریخ پذیرش: ۱ خرداد ۱۴۰۵  
 تاریخ چاپ اولیه: ۴ خرداد ۱۴۰۵  
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۵

## دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

### مصادیق و آثار عیوب اراده در قراردادها در ایران، انگلستان و مصر

محمد شاکرمی<sup>۱</sup>، حمیدرضا علی کرمی<sup>۲</sup>، اکبر رجیبی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران
  ۲. گروه حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران
  ۳. گروه حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران
  ۴. گروه فقه و حقوق جزا، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران
- \* پست الکترونیک نویسنده مسئول: [h.r.alikarami@iau.ac.ir](mailto:h.r.alikarami@iau.ac.ir)

### چکیده

عیوب اراده بر اوضاع و احوال خاص دلالت کرده و موجب بی‌اعتباری با کم اعتباری قصد و رضا و به تبع آن قرارداد می‌گردد. در این تحقیق با هدف شناخت مصادیق و آثار عیوب اراده در ایران، انگلستان و مصر با روش توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای به بررسی موضوع پرداخته شد و یافته‌های ذیل حاصل گردید. اکراه و اشتباه به عنوان دو عیب اصلی اراده در هر سه نظام حقوقی مورد مطالعه می‌باشند و تدلیس در انگلستان و مصر به صراحت به عنوان عیب اراده مطرح شده است، لیکن در ایران به طور ضمنی می‌توان آن را از عیوب اراده تلقی کرد. اعمال نفوذ ناروا در انگلستان به طور مستقل از عیوب اراده محسوب می‌شود، در حالیکه در ایران و مصر برخی از مصادیق آن را تحت عنوان اکراه می‌توان به عنوان عیب اراده محسوب نمود. اثر اکراه در هر سه کشور مورد مطالعه امکان بطلان است و اثر کلی اشتباه در انگلستان بطلان است، در حالیکه در ایران و مصر باید بین حالات مختلف اشتباه تفاوت قائل شد. تدلیس در ایران به عنوان عیب اراده تلقی نمی‌گردد و از این جهت که تدلیس ارتباط نزدیکی با اشتباه دارد، ماهیتا موجب عیب در اراده می‌گردد. امکان مطالبه خسارت در موارد تدلیس در نظام حقوقی انگلستان و ایجاد محدودیت برای طرح دعاوی ناشی از عیوب اراده در مصر، راهکارهای قابل استفاده در نظام حقوقی ایران در موضوع عیوب اراده می‌باشند.

کلیدواژگان: عیوب، عیوب اراده، حقوق ایران، حقوق انگلستان.



مقدمه

اراده نقش اصلی را در ایجاد اعمال حقوقی، اعم از عقد و ایقاعات، دارد. فقدان اراده به طور حتم موجب بطلان عمل حقوقی است و نقص در اراده که به عنوان «عیوب اراده» شناخته می‌شود، دارای آثار مهمی است. در برخی کشورها، مواردی همچون اشتباه، اکراه، تدلیس و غبن فاحش از جمله عیوب اراده یا رضا دانسته شده است. بررسی قانون مدنی ما را به این نتیجه می‌رساند که از نظر این قانون می‌توان دو عنوان «اشتباه» و «اکراه» را به ترتیب عیوب اراده و رضا تلقی کرد. به دلیل تفکیک قصد و رضا در حقوق مدنی ایران، عیوب قصد و رضا نیز کاملاً از یکدیگر متمایز شده است. ماده ۱۹۹ قانون مدنی در این زمینه اعلام می‌کند: «رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست.» در این ماده، از تدلیس و غبن که در حقوق پاره‌ای از کشورها در زمره عیوب رضا آمده، نامی برده نشده است. ولی از روح مجموع مواد این قانون چنین برمی‌آید که قانون‌گذار از صدمه‌ای که این دو عامل، به ویژه تدلیس، به سلامت اراده می‌رساند، آگاه است. لیکن به منظور حفظ قرارداد و عدم ابطال آن، اختیار انحلال آن را به دست شخصی داده است که از تدلیس یا غبن زیان می‌برد و بر مبنای قاعده لاضرر، به زیان‌دیده حق فسخ معامله را داده است تا بتواند از عهد ناخواسته‌های یابد. ارتباط میان تدلیس و اشتباه چندان است که نمی‌توان تمام مصادیق آن را در شمار موجبات خیار فسخ آورد و در رضا مؤثر ندانست. نگاه نظام‌های حقوقی به «عیوب اراده» یکسان نمی‌باشد. در انگلستان، عیوب اراده در چهار عنوان «اشتباه، اکراه، تدلیس و اعمال نفوذ ناروا» مورد بحث قرار می‌گیرند (Hamilton, 2019). در کشور مصر، عیوب اراده و عواملی که موجب ایجاد عیب در اراده می‌شود، در قانون مدنی، تحت عناوین سه‌گانه «اشتباه، تدلیس، اکراه» آمده و عیب چهارمی نیز به نام «غبن استثماری» در رویه مطرح شده است. به این عیوب در فقه اسلامی «آلوده‌کننده اراده» می‌گویند (Ammar Sharif, 2010).

اختلاف بین عیوب اراده در ایران، انگلستان و مصر، علاوه بر مصادیق و تعداد آنها، در نوع نگاه به عیوب اراده هم می‌باشد. در انگلستان، توجه بر روی عنصر «رضایت» است و تحت عنوان «عیوب رضا» از آنها نام برده می‌شود. «عیوب اراده» که در مصر از اصطلاح «عیوب رضا» نیز برای آنها استفاده می‌شود، در واقع عیب اراده طرف قرارداد است که ناشی از برخی عوامل همراه با انعقاد قرارداد است که صحت انتخاب او را مختل کرده و تحت تأثیر خود قرار داده است (Al-Amrousi, 2016). این عیوب یا ناشی از علتی است که با تولد اراده همراه بوده و از ابتدا در شکل‌گیری یا جهت‌گیری آن تأثیر داشته است، مانند اجبار به انعقاد قرارداد، یا علتی پیش‌بینی نشده است که منجر به عیب در اجرای آن می‌شود. زمانی که یکی از عیوب اراده موجود باشد، عمل حقوقی ناشی از آن، چه عقد باشد و چه ایقاع، معیوب می‌گردد. درحالی‌که مفهوم اراده و چگونگی ایجاد و تبلور آن موضوعی مشترک در تمامی نظام‌های حقوقی است، لیکن متفاوت بودن مصادیق عیوب اراده در قراردادها در سه کشور مورد مطالعه، از یک طرف، و همچنین آثار متفاوتی که بر عیوب اراده در این نظام‌های حقوقی حاکم است، سؤالاتی را مطرح می‌کند؛ از جمله اینکه عیوب اراده در کدام‌یک از سه نظام حقوقی مورد مطالعه به نحو بهتری تبیین شده است و راهکارهای ارائه‌شده در هر نظام حقوقی چگونه منجر به برقراری توازن قراردادی از منظر اراده طرفین قرارداد می‌گردد. برای یافتن پاسخ این سؤال‌ها، مقاله حاضر از دو قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول به بیان مصادیق عیوب اراده در سه نظام حقوقی پرداخته شده است و در قسمت سوم نیز آثار عیوب اراده در سه نظام حقوقی مورد مطالعه قرار گرفته است. روش تحقیق حاضر توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای می‌باشد.

مصادیق عیوب اراده در ایران، انگلستان و مصر

علی‌رغم وجود نقاط اشتراک در بین سه نظام حقوقی از جهت مصادیق عیوب اراده، تفاوت‌های مهمی نیز بین سه کشور مشاهده

می‌گردد. در این قسمت، عیوب مطرح اراده به صورت مجزا بیان شده و وضعیت پذیرش آن به عنوان یک عیب اراده در هر سه نظام حقوقی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

### اکراه

اکراه در لغت به معنی کسی را به زور و ستم به کاری واداشتن، کسی را خلاف میل و رضای او به کاری مجبور کردن (Amid, 1996). در مورد اکراه، تعاریف گوناگونی از علمای حقوق ارائه گردیده است؛ به طوری که از نظر عده‌ای از علمای حقوق، «اکراه، عملی است تهدیدآمیز از طرف کسی، خواه طرف عقد باشد یا نباشد، نسبت به دیگری به منظور تحقق بخشیدن عمل حقوقی مورد نظر اکراه‌کننده» (Jafari Langroudi, 2023). از نظر دیگر حقوقدانان، اکراه در اصطلاح حقوقی عبارت است از «فشار مادی یا معنوی نامشروعی که به وسیله کسی به طرف معامله وارد گردد و او را وادار به عقد قرارداد کند» (Safaei, 2023). از نظر دیگر علمای حقوق، اکراه عبارت است از عملیاتی که علیه یک نفر اعمال می‌شود تا رضای او که نمی‌خواهد عملی را انجام دهد، به طور جبری گرفته شود (Adl, 1960). فقها نیز تعاریف مختلف و گوناگونی از اکراه ارائه کرده‌اند و به عقیده عده‌ای از فقهای امامیه، اکراه، وادار شدن شخص عاقل و باشعوری است به زور به انجام کاری که قاصد به لفظ بوده و غیرقاصد به مفهوم آن (Amili, 1992).

اکراه در هر سه نظام حقوقی ایران، انگلستان و مصر به صراحت به عنوان «عیب اراده» تلقی شده است. در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۹۱ قانون مدنی به صراحت اکراه را در کنار اشتباه به عنوان عیب اراده مطرح کرده است.

در انگلستان نیز اکراه به عنوان یکی از عیوب اراده تلقی می‌گردد. در انگلستان، اکراه یا آنچه که گاهی اوقات «اکراه قانونی» نامیده می‌شود، عبارت است از اجبار عملی یا تهدید نسبت به حیات یا تمامیت جسمانی شخص (Anson et al., 2010).

در انگلستان، توافقی که بر مبنای اکراه واقع شود، عنصر اساسی لازم برای الزام‌آور بودن را فاقد خواهد بود. در انگلستان، هم قواعد «کامن‌لا» و هم قواعد «انصاف» متفقند که هیچ‌کس نمی‌تواند قراردادی را صحیحاً منعقد کند، مگر اینکه دارای اراده آزاد باشد. البته تأثیر کامن‌لا در این موضوع اندک و محدود به عدم پذیرش قراردادی است که بر مبنای اکراه انعقاد یافته است (Starke et al., 1992). لیکن تردیدی در این وجود ندارد که اکراه از عیوب اراده در انگلستان تلقی می‌گردد. در انگلستان، شرایط تحقق اکراه بسیار اختلافی است و به همین دلیل، موضوع اکراه از موضوعات دشوار در حقوق قراردادها در انگلستان شده است و یک مسئله غامض و قفل شده است (Turner, 2013).

در کشور مصر نیز قانون مدنی این کشور به صراحت از عیوب اراده نام برده است و «اکراه» را به عنوان یکی از عیوب اراده پذیرفته است. ماده ۱۲۷ قانون مدنی مصر به صراحت اکراه را به عنوان یکی از عیوب اراده قبول کرده است و احکام و آثار این عیب در مواد دیگر قانون مدنی این کشور، مانند مواد ۱۲۸ و ۱۴۰، آمده است.

### اشتباه

در اصطلاح لغوی، اشتباه از «شبه» به معنای مانند شدن یا چیزی را به جای چیز دیگر گرفتن و یا کاری را به غلط انجام دادن است (Amid, 1996). در مورد اشتباه به عنوان یکی از عیوب اراده، تعاریف متعددی ارائه شده است؛ به طوری که عده‌ای اعتقاد دارند «اشتباه تصور خلاف واقعی است از چیزی، اعم از اینکه مادی باشد یا معنوی» (Jafari Langroudi, 2023). به اعتقاد دیگر حقوقدانان، «اشتباه، نمایش نادرست واقعیت در ذهن است و به عبارت دیگر زمانی رخ می‌دهد که انسان از واقعیت پندار نادرستی دارد.» در حقوق نیز مفهوم اشتباه از معنای لغوی و عرفی خود دور نیفتاده است. ولی، در صورتی از این حالت نفسانی سخن گفته می‌شود که موضوع آن یکی از اعمال حقوقی و به ویژه قرارداد باشد. بنابر اصل حاکمیت اراده، عمل حقوقی در صورتی اعتبار

در نظر عرف از صفات اساسی آن باشد، یا طرفی که آن را اساسی می‌داند، مقصود خود را با طرف دیگر در میان گذارد و عقد بر مبنای آن واقع شود.

اشتباه در انگلستان نیز به‌عنوان عیب اراده تلقی می‌گردد. در حقوق انگلیس ممکن است اشتباه را به حالتی که در نفس آدمی پیدا می‌شود و انسان را به توهم خلاف واقع می‌کشاند تعریف کرد. خلاف واقع نیز یا واقعه نادرستی است که انسان آن را درست می‌پندارد و یا واقعه درستی است که انسان آن را نادرست می‌پندارد. اشتباه در این تعریف، کلیه انواع آن را سامان می‌دهد و صرفاً به نوع خاصی اشاره نمی‌نماید (MacDougall, 2018).

در کشور مصر نیز «اشتباه» از عیوب اراده تلقی شده است (Ammar Sharif, 2010) و برای بیان اشتباه از مفهوم «غلط» در قانون مدنی مصر استفاده شده است. ماده ۱۲۰ قانون مدنی مصر «غلط» را به‌عنوان یکی از عیوب اراده مورد توجه قرار داده است و مواد ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۴۰، ۵۵۶، ۶۷۲ و سایر مواد دیگر به بیان احکام آن پرداخته‌اند. در مصر برای اشتباه، تعریف «تصور خلاف واقع» را ذکر کرده‌اند.

#### تدلیس

در فرهنگ اصطلاحات حقوقی، به معنای تدلیس، قلب واقعیت و القای شبهه آمده است (Aryanpour Kashani, 1998). توسل به اعمالی که موجب فریب طرف معامله و در نتیجه اضرار مالی او باشد را «تدلیس» گویند. تدلیس به معنای فریب دادن و پنهان کردن واقع است و معنای اصطلاحی آن نیز از معنای لغوی‌اش دور نیفتاده است (Jafari Langroudi, 1978). پس هرگاه فروشنده مالی برای فریفتن خریدار، وصفی موهوم را به کالای خود نسبت دهد یا عیبی را که در آن است بپوشاند، گویند در معامله تدلیس کرده است. بدین ترتیب، در هر تدلیس نوعی تقلب و ریا وجود دارد و نیرنگ‌باز بی‌اعتنا به شرافت شغلی و درستکاری متعامل، از اعتماد

دارد که با قصد واقعی دو طرف منطبق باشد، یعنی آنچه واقع شده با مقصود یکی باشد. زیرا، نفوذ و اعتبار خود را از آن می‌گیرد. پس، اگر تصویری که مبنای تکوین اراده قرار گرفته است با واقع مخالف باشد، به‌طور مسلم چنین اراده‌ای معلول است و نمی‌تواند آثار قصد و رضای متعارف را داشته باشد. بعضی دیگر از اساتید حقوق بر این عقیده‌اند که اشتباه تصور غلطی است که انسان از شیء می‌کند و حد اعلا‌ی اشتباه را می‌توان جهل نامید (Adl, 1960).

در نظام حقوقی ایران، اشتباه به‌صراحت در ماده ۱۹۹ قانون مدنی به‌عنوان عیوب اراده نام برده است. برای اینکه اشتباه از عیوب رضا محسوب شود، باید دارای دو شرط باشد: اول اینکه در صورتی اشتباه به صحت عقد صدمه می‌زند که ثابت شود اگر مشتبه از حقیقت آگاه بود از تراضی خودداری می‌کرد. پیش از انعقاد قرارداد، جهات گوناگونی دو طرف را به معامله کردن تحریک می‌کند. ولی، پاره‌ای از این جهات علت اصلی یا عمده تصمیم گرفتن است. اشتباه هنگامی می‌تواند مستند بطلان عقد واقع شود که ناظر به این علت باشد؛ چنان‌که ماده ۲۰۱ قانون مدنی همین قاعده را در مورد «اشتباه در شخص طرف» اعمال کرده است و می‌گوید: «اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد، مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد.» تمیز علت عمده عقد گاه دشوار است و تنها راه چاره، رجوع دادرس به اعلام‌های دو طرف و استفاده از ظاهر و عرف در هر دعوا است. دوم اینکه اشتباه باید، به حکم قانون یا تراضی، در قلمرو قصد مشترک قرار گیرد؛ یعنی انگیزه‌های درونی هر طرف وقتی در عقد مؤثر است که به‌وسیله‌ای، هرچند ضمنی، بیان شود و در تراضی بیاید و تا زمانی که جنبه خصوصی و شخصی دارد، منافع طرف دیگر را به مخاطره نمی‌اندازد. پس، اگر وصف ویژه‌ای از موضوع معامله در نظر یکی از دو طرف علت عمده عقد باشد، اشتباه در آن در صورتی می‌تواند مستند ابطال عقد قرار گیرد که یا

طرف معامله برای گول زدن او استفاده می‌کند. به همین جهت، تدلیس در قرارداد با کلاهبرداری قرابت دارد.

در نظام حقوقی ایران، تدلیس به‌عنوان عیوب اراده به‌طور مستقیم مطرح نشده است، اما باید تدلیس را نیز با شرایطی به‌عنوان یکی از عیوب اراده تلقی کرد. تدلیس عبارت است از پوشاندن عیب یا وانمود کردن وصف کمال در موضوع مورد معامله که در واقع وجود ندارد و در نتیجه آن، طرف مقابل فریفته می‌شود. هرگاه تدلیس موجب تحقق اشتباه اساسی شود، بطلان عقد را در پی دارد و نه وجود خیار فسخ را؛ خیار تدلیس ناظر به اشتباه فرعی و بی‌تأثیر است. تدلیس همواره و الزاماً در قالب فریب و نیرنگ تحقق می‌یابد، اظهار خلاف واقع و نیز اظهارات نابجا حق فسخ ایجاد می‌کند. با این وجود، باید تبلیغات متعارف در تجارت را از لوازم آن دانست، نه اینکه آن را تدلیس تلقی نمود. در نظام حقوقی ایران، می‌توان شرایط تحقق تدلیس را به شرح زیر برشمرد: وصفی موهوم باید به کالا نسبت داده شود و خریدار را بفریبید، به‌طوری‌که نتوان از آن چشم‌پوشی کرد؛ تدلیس باید عمدی باشد؛ اما سکوت فروشنده در قبال عیب پنهانی مبیع می‌تواند تدلیس به‌حساب آید؛ تدلیس باید پیش از انعقاد قرارداد صورت گیرد تا مخاطب را به معامله ترغیب کند، به‌گونه‌ای که در اثر تدلیس فریفته شود و معامله را منعقد کند؛ لذا، چنانچه مخاطب در هر حال، با وجود تدلیس یا بدون تحقق آن معامله را منعقد می‌کرد، قرارداد الزام‌آور است؛ تدلیس از سوی اشخاص ثالث بی‌تأثیر است؛ در بیع کلی فی‌الذمه که در آن کالا به اوصاف فروخته می‌شود، تدلیس راه ندارد؛ زیرا، کالا در خارج معین نیست، مگر اینکه در اوصاف کالا تدلیس شده و با وجود کلی بودن بیع، کالا را دارای وصفی معرفی کند که در آن نیست (Katouzian, 2023b).

در حقوق انگلیس، «تدلیس» از عیوب اراده است و برای بیان این مفهوم از عباراتی چند استفاده می‌شود.

*Fraud* به معنای فریب، تقلب، حيله‌گری، گول زدن، مغبون ساختن و در معنای حقوقی، اغفال عمدی شخص بدین منظور که وی حق قانونی خود را نسبت به ملک یا دارایی‌اش از دست بدهد (Ramage, 2006) و در فرهنگ اصطلاحات حقوقی به تقلب، کلاهبرداری، غبن و تدلیس ترجمه شده است (Merriam, 2010).

*Deceive (deception)* به معنای فریفتن، گول زدن، نیرنگ به کار بردن، وادار ساختن شخص به باور چیزی که حقیقت ندارد. *Mislead* به اشتباه افکندن شخص می‌باشد، هرچند لازم نیست که همواره با فریب عمدی همراه باشد؛ مثل موردی که شخص به سبب علامت راهنمای نادرست اشتباهاً به راه دیگری منحرف شود. *Misrepresentation* به معنای بد نمایش دادن، غلط جلوه دادن و بد انجام وظیفه کردن به‌عنوان نماینده می‌باشد. در انگلستان، تدلیس دارای ابعاد وسیعی است. در حقوق انگلیس، به‌طور کلی «اظهار» به معنی بیان موضوعی است که از سوی یک طرف قرارداد به طرف دیگر انجام می‌گیرد؛ این امر بخشی از شروط قرارداد به‌حساب نمی‌آید و یکی از دلایلی است که طرف مقابل را به انعقاد قرارداد ترغیب می‌کند (Cartwright, 2012). اگر این اظهار غیرواقع باشد، تدلیس، یعنی اظهار غلط، نامیده می‌شود. مقصود واقعی تدلیس‌کننده و صداقت، غفلت و یا عمد وی در بیان اظهاراتش، در تحقق تدلیس تأثیری نداشته و در هر حال، تدلیس محقق خواهد شد؛ هر یک از این موضوعات صرفاً در نوع تدلیس مؤثر خواهد بود (Cartwright, 2012). در این نظام حقوقی، تدلیس در سه قسم مطرح شده است: هرگاه تدلیس‌کننده نسبت به نادرستی اظهاراتش آگاه باشد، تدلیس متقابلانه است؛ چنانچه تدلیس‌کننده اظهارات خود را صحیح می‌پنداشته، اما در حقیقت نادرست بوده، تدلیس صادقانه یا غیرعمد خواهد بود؛ هرگاه تدلیس‌کننده نسبت به صحت و یا سقم اظهاراتش آگاهی نداشته و در نتیجه مسامحه در بررسی این امر اظهاراتی خلاف واقع بیان

نفوذ ناروا انعقاد یابد، غیرنافذ می‌باشد؛ ولی پس از رد، قابل تنفیذ نیست، خواه صریحاً رد شده باشد یا تلویحاً. در حقوق انگلستان که خاستگاه اصلی نظریه نفوذ ناروا است، بین اکراه و نفوذ ناروا تفاوت‌هایی را مطرح کرده‌اند: نخست، اکراه از قواعد سنتی کامن‌لا است که در این سیستم ایجاد شده است، درحالی‌که نفوذ ناروا، به دلیل عدم پوشش قواعد کامن‌لا نسبت به آن، توسط نهاد انصاف تأسیس و پیش‌بینی شده است (Anson et al., 2010). دوم، در اکراه وجود نوعی تهدید شرط است، اما نفوذ ناروا فاقد این رکن است و صرف وجود یک رابطه، علت انعقاد قرارداد است. سوم، در نفوذ ناروا، رابطه طرفین می‌تواند از نوع پدر و فرزند، پزشک و بیمار یا مرید و مراد باشد، اما در اکراه ممکن است این رابطه مفقود باشد. چهارم، در نفوذ ناروا، طرف قوی‌تر از موقعیت معنوی برتر خود برای انعقاد قرارداد استفاده می‌کند و آن را وسیله‌ای برای متقاعد ساختن طرف ضعیف‌تر قرار می‌دهد، درحالی‌که در اکراه چنین موقعیتی وجود ندارد، بلکه آنچه فرد اکراه‌شده را وادار به انعقاد قرارداد می‌کند، تهدید و فشار مادی است که از سوی اکراه‌کننده وارد می‌شود (Stone, 2013).

در کشور مصر، سنه‌وری معتقد است که اعمال نفوذ ناروا در قالب اکراه قابل شرح است و معتقد است که چنانچه از نفوذ ناروا برای وادار کردن طرف مقابل به انعقاد قرارداد استفاده شود، همان عنصر غیرمشروع بودن در عقد اکراه است که سبب می‌شود قرارداد غیرنافذ تلقی یا باطل تلقی شود. اعمال نفوذ معنوی و قدرت، مادامی که هدف رسیدن به غرض مشروع باشد، امری است مشروع، اما اگر غرض غیرمشروع باشد، ایراد به عقد با طرح دعوای اکراه، بلامانع است. شکی نیست که موضع زوجه در مقابل همسرش، مرد فقیر در مقابل انسان ثروتمند، فرزند در مقابل پدر، فرد متدین در مقابل مرجع دینی و نیز موضع مرئوس در مقابل رئیس که ادامه کار یا ختم آن در دست او است، به‌گونه‌ای است که تا حد زیادی اراده‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و صحیح

کند، تدلیس مسامحه‌کارانه یا از روی بی‌دقتی محقق خواهد شد. در تمامی فروض مذکور، تدلیس باید موضوعی باشد نه حکمی (Zhou, 2010). همچنین سکوت، به جز در موارد استثنائی، نمی‌تواند موجب تدلیس شود (Habibzadeh, 2010). تدلیس هم به موجب قواعد کامن‌لا و هم به موجب قانون تدلیس مصوب ۱۹۶۷ از عیوب اراده تلقی می‌گردد.

در کشور مصر نیز «تدلیس» به‌عنوان یکی از عیوب اراده تلقی شده است. مواد ۱۲۶، ۱۲۷ و ۱۴۰ قانون مدنی مصر به این موضوع اشاره دارند. کتاب‌های لغت عربی به معنای پوشاندن و پنهان ساختن عیوب می‌باشد. ریشه این لغت کلمه «دلسه» به معنای تاریکی و ظلمت است (Ibn Manzur, 1984). زیرا تدلیس‌کننده حقیقت امر را پوشانده و امر غیرواقعی را در نظر طرف مقابل، واقعیت جلوه می‌دهد (Hosseini Amili, 2001). تدلیس در بیع و سایر معاملات به کتمان و پوشاندن عیب کالا از مشتری معنا شده است (Ibn Manzur, 1984). تدلیس به‌صراحت ماده ۱۴۰ قانون مدنی مصر از عیوب اراده است.

#### ۱-۴. اعمال نفوذ ناروا

در حقوق انگلیس، «اعمال نفوذ ناروا» نیز به‌عنوان یکی از عیوب اراده تلقی می‌گردد، درحالی‌که این مفهوم در حقوق ایران و مصر به‌طور مستقل وجود ندارد. نفوذ ناروا عبارت است از موردی که شخصی از نفوذی که در دیگری دارد برای انجام مقاصد خود به طریق ناسزاوار بهره‌برداری کند. مثل کشیشی که از نفوذ معنوی خود در فردی سوءاستفاده کند. قراردادهایی که بر مبنای نفوذ ناروا منعقد شوند، قابل ابطال و بر دو نوع‌اند: اول، قراردادهایی که میان طرفین هیچ‌گونه رابطه خاصی وجود نداشته است. دوم، قراردادهایی که میان طرفین رابطه خاصی موجود بوده است، مثل قرارداد بین اولیاء و فرزندان (Cheshire & Fifoot, 1988). در مورد گروه نخست، وجود نفوذ ناروا باید به اثبات برسد، اما در مورد گروه دوم، این مفهوم مفروض است. قراردادی که بر مبنای

طرف معامله، یعنی مغبون، وارد شده است (Katouzian, 2023b). در اینکه آیا غبن به عنوان عیب اراده تلقی می‌گردد یا خیر، در هر سه نظام حقوقی اختلاف نظر وجود دارد.

در ایران، ارزش مورد معامله یکی از اوصاف مورد معامله محسوب می‌شود. اشتباه در قیمت یا ارزش مورد معامله سبب بطلان معامله نمی‌شود؛ بلکه این اشتباه باعث مغبون شدن اشتباه‌کننده می‌شود و اشتباه در قیمت در صورتی که به غبن فاحش منجر گردد، موجب پیدایش حق فسخ برای مغبون خواهد شد. می‌توان گفت اگر غبن در نتیجه اشتباهی در یکی از اوصاف مورد معامله باشد، مغبون می‌تواند تصور نادرستی که درباره خود موضوع معامله دارد، ابطال عقد را بخواهد. اندیشه ربط غبن با عیب اراده در فقه رونق نیافت و مهجور ماند. قانون مدنی ایران نیز از پیوند میان غبن و عیب اراده پرهیز کرد و احکامی آورد که با عیب اراده سازگار نیست. حق فسخ اختیاری است که برای برهم زدن عقد نافذ به اشخاص داده می‌شود، درحالی‌که عیب اراده عقد را از آغاز باطل یا غیرنافذ می‌کند و اثر آن محدود به زمان بعد از اجرای خیار نمی‌گردد. برخی از حقوقدانان معتقدند که از نظر منطقی نیز جدا شدن دو نظریه غبن و عیب اراده مفید به نظر می‌رسد؛ زیرا بدین وسیله، غبن اصالت می‌یابد و از نظر اثبات آسان‌تر می‌شود. اگر بنا شود مغبون، گذشته از اثبات عدم تعادل بین دو عوض، ناچار باشد که اکراه یا اشتباه یا اعمال حيله‌ای را در جریان تراضی اثبات کند، از استناد به غبن خودداری کرده و ترجیح می‌دهد که از همان عیب اراده استفاده کند (Katouzian, 2023b).

در حقوق مصر نیز اشتباه در ارزش مورد معامله، اگر انگیزه اصلی برای انجام معامله باشد، عقد را قابل ابطال می‌نماید. در جهت پیوند بین غبن و عیوب اراده در نظام‌های حقوقی عربی، از نوع خاصی از غبن نام برده می‌شود که به آن «غبن استثماری» گفته می‌شود. این غبن در جایی مطرح می‌شود که یکی از طرفین در موضوعی بی‌احتیاطی شدید یا هوی و هوس آشکاری را در دیگری

نیست که بگوییم شخص در معامله با آنها از روی اختیار عمل کرده است. پس اگر بخواهد با انعقاد عقد به هدف غیرمشروعی برسد، مانند شخصی ناتوان که تعهد سنگینی را بر عهده می‌گیرد، به طوری که اگر موقعیت نسبت به طرف دیگر ایجاب نمی‌کرد، هرگز به چنین تعهدی راضی نمی‌شد، ابطال آن به سبب اکراه جایز است (Al-Sanhuri, 1988). ملاحظه می‌شود که این اندیشمند مصری، با تلفیق نفوذ ناروا و عنصر نامشروع بودن در اکراه، استفاده از این قدرت را برای وادار کردن طرف دیگر به انعقاد قراردادی که در حالت عادی حاضر به انعقاد آن نمی‌شد، نوعی اکراه تلقی نموده است؛ بدون اینکه لازم باشد عنصر تهدید که از ارکان شاخص در تحقق اکراه است، موجود باشد. به همین دلیل، برخی از اندیشمندان دستورات حاکم را، هرچند تهدیدی در آن نباشد، اکراه دانسته‌اند (Ibn Nujaym, 1968). در ایران نیز اعمال نفوذ ناروا به طور مستقل به عنوان عیب اراده تلقی نشده است و مصادیق آن را در شرایطی می‌توان تحت عنوان اکراه مورد بررسی قرار داد.

### غبن

غبن در لغت به مفهوم زیان به دیگری است. غبن در لغت به معنی خدعه نیز می‌باشد؛ یعنی گول زدن و بازی دادن کسی دیگری را (Amid, 1996). غبن در اصطلاح حقوقی به مفهوم عدم تعادل میان مورد معامله و ارزش مقرر آن است، مانند عدم تعادل میان ثمن و مبیع. گروهی از حقوقدانان در تعریف خیار غبن گفته‌اند خیار غبن اختیاری است که قانون در اثر عدم تعادل ارزش معاوضه مبیع با ثمن به متضرر داده است که می‌تواند معامله را فسخ یا به همان نحو قبول نماید (Emami, 2022). برخی دیگر از حقوقدانان در تعریف آن گفته‌اند غبن در لغت به مفهوم زیان به دیگری و در اصطلاح حقوقی، عدم تعادل میان مورد معامله و ارزش مقرر آن است (Safaei, 2023). و گروهی دیگر در تعریف آن عبارت است از زیانی که در اثر عدم تعادل بین عوض معامله و ارزشی که مورد معامله واقعاً دارا بوده، به میزان فاحش به

گیرد. بطلان، عدم نفوذ و حق فسخ برای شخصی که اراده‌اش به واسطه یکی از عیوب اراده مختل شده است، به‌عنوان آثار کلی عیوب اراده شناخته می‌شوند.

### آثار اکراه

#### ایران

در ایران، برای شناخت آثار اکراه باید عقد صحیح، فاسد یا باطل، و غیرنافذ را از هم تفکیک کرد. عقد صحیح و عقد باطل، به اصطلاح منطقی، ضدین هستند نه نقیضین. زیرا ممکن است عقدی نه صحیح باشد و نه باطل. چنین عقدی را عقد غیرنافذ، موقوف یا مراعی می‌نامند. این اصطلاح برای اولین بار توسط علامه حلی به کار رفته است (Allamah, 1992). رضایت و طیب نفس متعاقبین، یعنی عدم اکراه، شرط نفوذ عقد است نه شرط صحت آن. پس تعبیر به بطلان عقد مکره را باید چنین توجیه کرد که اگر رضای متأخر به چنین عقدی ملحق نشود، باطل است (Khoei). مرحوم شیخ انصاری قبل از طرح شرط رضا، که از آن به اختیار هم تعبیر می‌شود، قصد انشای متعاقبین را شرط صحت و بلکه شرط تحقق مفهوم عقد دانسته است (Ansari, 2002). بر این اساس، عقد غلط، ساهی، نائم و هازل به علت فقدان قصد انشا باطل است و این بطلان با رضایت بعدی هم قابل تصحیح نیست. در حقوق نیز عقد مکره به همین فرض حمل می‌شود که مکره قصد ایجاد عقد در عالم اعتبار را نموده، ولی به مفاد آن رضایت و طیب نفس ندارد. همچنین فرض مذکور را می‌توان از ظاهر موادی از قانون مدنی، نظیر ماده ۱۰۷۰، استنباط کرد. در این ماده آمده است: «هرگاه مکره بعد از زوال اکراه عقد را اجازه کند نافذ است، مگر اینکه اکراه به درجه‌ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد.» بعضی از نویسندگان حقوق مدنی معتقدند مکره فاقد رضا بوده و قصد انشا هم بخشی از رضاست (Jafari Langroudi, 1978). این نظریه از جهاتی قابل انتقاد است: تأثیر اکراه در اراده انسان آن اندازه نیست که او را از قصد انشای مضمون عقد ناتوان سازد. پس

ببیند؛ به‌طوری‌که این بی‌احتیاطی یا هوی و هوس، تعادل قراردادی را از بین ببرد و از آن سوءاستفاده کند تا او را به انعقاد قراردادی بکشاند (Zerouki, 2011). در چنین شرایطی، این بی‌انصافی است که شخص مغبون در تعهدات ناشی از آن قرارداد باقی بماند. نمونه آن زمانی است که مرد سالخورده‌ای با زنی که در اوج جوانی است ازدواج می‌کند و زن به دنبال سوءاستفاده از تمایلاتی است که در شوهرش پیدا می‌کند و او را وادار به عقد قرارداد با فرزندان خود می‌کند. در مصر، تقلب در عقد بیع فی‌نفسه دلیل بر بطلان یا تعدیل قرارداد نیست، مگر اینکه همراه با عواملی باشد که یکی از طرفین از طریق بی‌احتیاطی ظاهری یا هوس‌های لجام‌گسیخته از دیگری سوءاستفاده کرده باشد. در استعمار همراه با بی‌عدالتی باید دو عنصر وجود داشته باشد که یکی از آنها مادی است و متضمن عدم تعادل فاحش در تعهدات مربوطه است و دیگری روانی است که نشان می‌دهد طرف قرارداد در حالت بی‌پروایی یا اشتیاق افسارگسیخته قرار گرفته است و توسط طرف قرارداد دیگر مورد بهره‌برداری قرار گرفته است (Qaradaghi, 2002). این دو عنصر مستقل از یکدیگر هستند و با این شرایط، چنین غبنی را می‌توان از عیوب اراده محسوب کرد.

در کشور انگلستان، «غبن» مفهومی است که قدمت زیادی ندارد و به همین دلیل فاقد یک عنوان مستقل است و با توجه به وضعیت غبن، یا به‌عنوان «اشتباه در ارزش معامله» یا به‌عنوان «اکراه در مفهوم کامن‌لائی» و یا به‌عنوان «اعمال نفوذ ناروا در مفهوم انصاف» شناخته می‌شود (Peel & Treitel, 2007) که در هر یک از فروض سه‌گانه فوق به‌عنوان عیب اراده تلقی می‌گردد؛ زیرا اشتباه، اکراه و اعمال نفوذ ناروا همگی از عیوب اراده در انگلستان هستند.

### آثار عیوب اراده در ایران، انگلستان و مصر

با تحقق یکی از عیوب اراده، انتظار این است که عیب مطروحه مورد توجه قرار گرفته و با توجه به میزان تأثیری که به‌عنوان یک عامل مخرب بر اراده یکی از طرفین قرارداد دارد، مورد توجه قرار

هرچند مکره طیب نفس و رضا به وقوع عقد ندارد، ولی قصد انشای مضمون عقد از او متصور است. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که پس از تنفیذ عقد، آثار عقد صحیح از چه زمانی بر عقد مکره مترتب می‌شود؟ از زمان انعقاد عقد یا از زمان اعلام رضایت مالک؟ باید گفت که با توجه به اصول و قواعد حقوقی باید آثار عقد مکره، همانند عقد فضولی، از زمان تنفیذ مالک جریان بیابد، ولی از آنجا که ماده ۲۵۸ قانون مدنی در مورد عقد فضولی از نظریه کشف حکمی پیروی کرده و اجازه مالک را کاشف از انتقال مالکیت منافع مبیع از زمان انعقاد عقد قرار داده است و با توجه به وجود همین ملاک در بیع مکره، می‌توان گفت که پس از رضایت مالک، آثار عقد از زمان انعقاد آن جاری خواهد شد.

#### انگلستان

در انگلستان، اثر اکراه این است که قرارداد را «قابل ابطال» می‌کند (Tamblyn, 2017). در حقوق انگلستان، با توجه به آرای صادره از دادگاه‌ها و نظرات حقوقدانان، قراردادی که در آن اکراه اعمال شده باشد، قابل ابطال است و نه باطل. به دیگر سخن، زیان دیده می‌تواند با اعلام رد قرارداد، آن را از روز نخست بدون اثر کند. این اثر معامله اکراهی، همانند اثر نفوذ ناروا در حقوق همین کشور می‌باشد و از این حیث تفاوتی با هم ندارند. مفهوم غیرنافذ که در حقوق ایران نیز در معاملات اکراهی کاربرد دارد، از حیث آثار همانند قابلیت ابطال در حقوق انگلستان است. البته باید توجه داشت که قابلیت ابطال قراردادی که تحت نفوذ اکراه منعقد شده است، در برخی فرض‌ها قابل اجرا و اعمال نیست. ابطال قرارداد، حقوق طرف دیگر قرارداد را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ به همین دلیل، برخی موانع که عمدتاً ناشی از اقدام حمایتی قانون‌گذار برای طرف دیگر قرارداد یا اشخاص ثالث با حسن نیت است، مانع ابطال قرارداد خواهد شد (Chitty, 2012). مورد اول در ارتباط با عدم امکان استرداد است. نتیجه ابطال قرارداد، بازگرداندن طرفین به حالت پیش از انعقاد قرارداد است و آنان باید

هرچه را که دریافت کرده‌اند به طرف مقابل مسترد نمایند. در پرونده بانک دونبار علیه نادیم، دادگاه طرفی را که قرارداد را منحل می‌کند، ملزم به استرداد منافع کرد که در قرارداد اجاره به دست آورده است (Stone et al., 2011). ابطال قرارداد در صورتی ممکن است که اعاده وضعیت طرفین به پیش از قرارداد ممکن باشد. چنانچه به هر دلیل، این امکان وجود نداشته باشد، قاعده انصاف ممکن است مانع ابطال قرارداد شود. البته موارد استثنایی نیز به‌رغم عدم امکان کامل و دقیق اعاده به وضع سابق، اجازه ابطال قرارداد داده شده است. با استثنائاتی که در حقوق انگلستان بر این موضوع وارد شده، باید نتیجه گرفت که دادگاه زمانی تقاضای ابطال قرارداد را می‌پذیرد که حتی‌الامکان، بازگشت دو طرف قرارداد به وضعیت پیش از انعقاد آن ممکن باشد. مورد دوم، تأیید معامله است. چنانچه زیان دیده، پس از قطع و توقف رابطه‌ای که فرض وجود اکراه را ایجاد کرده، قرارداد را تأیید کند، حق ابطال قرارداد ساقط می‌شود. از این جهت فرقی نمی‌کند که زیان دیده با علم و اطلاع یا بدون آن، قرارداد را تأیید نماید. این رویه و بی‌تفاوت بودن نسبت به اطلاع یا عدم اطلاع تأییدکننده از کیفیت قرارداد، قابل نقد به نظر می‌رسد؛ زیرا تأیید در صورت آگاهی از کیفیت معامله، موجب اسقاط حق ابطال قرارداد است. تأیید زمانی بیانگر اسقاط ضمنی حق ابطال تلقی می‌شود که همراه با اراده تأییدکننده بر اسقاط ضمنی آن باشد. در صورتی که تأییدکننده از وجود حق ابطال قرارداد مطلع نباشد، نمی‌توان آن را مستلزم اراده بر اسقاط ضمنی آن تلقی کرد. امروزه در خصوص آثار اکراه به اکراه اقتصادی بسیار توجه می‌شود. این نوع از اکراه برای اولین بار به‌صورت رسمی در پرونده اسکیس مورد توجه قرار گرفت. در این دعوی، در پی یک نزول جهانی که در صنعت کشتیرانی به وجود آمده بود و نرخ‌های اجاره کشتی کاهش یافته بود، اجاره‌کنندگان کشتی با علم به اینکه در صورتی که این قرارداد انجام نشود، مالکان کشتی به‌شدت دچار زیان خواهند شد و

دیگر به موارد خاصی پرداخته شده است. با توجه به این مواد، مشخص می‌گردد راه‌حلی که قانون به‌طور کلی در مورد اشتباه در موضوع معامله پیش‌بینی کرده، عدم نفوذ است (Jafari, Langroudi, 1978). عده‌ای عقیده دارند که منظور قانون‌گذار از «عدم نفوذ» در قانون مدنی، «بطلان» است (Emami, 2022). دکتر کاتوزیان معتقد است که اصطلاح «عدم نفوذ» به معنی عام خود شامل عقد بی‌اثر است و عقد بی‌اثر نیز شامل عقد غیرنافذ و عقد باطل می‌شود (Katouzian, 2023b). گروه سوم، قائل به تفکیک شده‌اند و برخی اشتباهات را باعث بطلان و تعدادی دیگر را موجب عدم نفوذ عقد دانسته‌اند (Adl, 1960). با ملاحظه نظریات حقوقدانان باید گفت اصطلاح عدم نفوذ در قانون مدنی به‌طور مبهم به کار رفته است و منظور قانون‌گذار را از آن نمی‌توان به‌آسانی درک کرد. برای درک بهتر آثار اشتباه در ایران باید بین انواع اشتباه تمایز قائل شد. آثار اشتباه در خود موضوع معامله بدین صورت است که مشمول ماده ۲۰۰ قانون مدنی است و در تفسیر این ماده اختلاف نظر وجود دارد. باید گفت که چنین اشتباهی مانع تکوین آگاهانه اراده می‌گردد و ضمانت اجرای عدم تکوین اراده، بطلان است نه عدم نفوذ؛ زیرا صرف‌نظر از اینکه ماهیت مورد معامله از امور مرتبط به قصد انشا می‌باشد و اشتباه در آن، قصد را مخدوش می‌کند (Doroudian, 2010). آثار اشتباه در اوصاف معامله بدین صورت است که اوصاف مورد معامله را از حیث احکام حقوقی بر سه دسته می‌توان تقسیم کرد: اوصاف جانشین ذات؛ اوصاف مهم مورد معامله و اوصاف غیرمهم (Shahidi, 2023). اشتباه در اوصاف دسته نخست، مانند اشتباه در ماهیت مورد معامله است و موجب بطلان عقد می‌شود. اما اشتباه در اوصاف دسته دوم، یعنی اوصاف مهم عقد، هرچند اشتباه در اموری است که در جلب توجه و تمایل اشخاص مؤثر است و به همین جهت، اوصاف مذکور باید در هنگام عقد معلوم باشد، ولی سبب بطلان معامله نخواهد شد و حتی به‌خودی‌خود هم نمی‌تواند سبب

ورشکسته می‌شوند، دوباره با مالکین وارد مذاکره شدند و قرارداد را با قیمت کمتری منعقد کردند. مالکین کشتی پس از مدتی قرارداد را فسخ کرده و در پی آن، مستأجرین کشتی، به دلیل فسخ غیرقانونی قرارداد، اقامه دعوی نمودند (Mandaraka-Sheppard, 2014).

#### مصر

در کشور مصر نیز ماده ۱۲۷ قانون مدنی این کشور وضعیت مشابه با انگلستان را پیش‌بینی کرده است و از عبارت «يجوز إبطال العقد للإكراه» استفاده کرده است که به مفهوم در وضعیت ایجاد اکراه، اجازه ابطال عقد داده شده است و شخص مکره می‌تواند عقد را باطل نماید. این بدان معناست که عقد اکراهی در مصر دارای عیبی در اراده شخص مکره است، لیکن عقد صحیح است و باید منتظر پاسخ شخص مکره در خصوص اعتبار عقد ماند (Al-Sanhuri, 1988). البته ماده ۱۴۰ قانون مدنی مصر که در مورد تمامی عیوب اراده حاکم است، برای پایان دادن به حالت تزلزل و بلا تکلیفی در مورد قرارداد اکراهی سه قاعده مهم را بیان کرده است. اول اینکه شخص مکره پس از پایان شرایط اکراهی می‌تواند نظر خود را در خصوص ابطال یا عدم ابطال اظهار کند. مدت زمان اعمال حق برای شخص مکره سه سال از زمان مرتفع شدن شرایط اکراهی می‌باشد و در ماده ۱۴۰ قانون مدنی مصر آمده است که: «يسقط الحق في إبطال العقد إذا لم يتمسك به صاحبه خلال ثلاث» و قاعده سوم که ممکن است این حق را محدودتر نماید، این است که در هر شرایط، ابطال عقد به استناد اکراه، بعد از گذشتن پنج سال از وقوع عقد اکراهی ممکن نیست.

#### اثر اشتباه

#### ایران

در مورد آثار اشتباه در قراردادها در حقوق ایران باید گفت که مواد مختلفی از قانون مدنی به اشتباه در موضوع عقد و آثار آن پرداخته است. در تعدادی از این مواد، حکم کلی اشتباه بیان و در تعدادی

می‌بایست آگاه از اشتباه طرف خود فرض شود ( MacMillan, 2010). از نظر آثار حقوقی، اشتباه‌های مؤثر را باید به دو گروه اصلی تقسیم کرد: اول، اشتباه مشترک که در آن تراضی محقق شده است و ایجاب و قبول با هم مطابقت دارد و بایستی پذیرفت که در اثر اشتباه نسبت به یکی از واقعیت‌های اساسی، نفوذ حقوقی ندارد. دوم، اشتباه فردی و متقابل که در آنها تراضی واقعی به وجود نمی‌آید و به همین جهت، در اثر مطابق نبودن ایجاب و قبول، عقد باطل است.

#### مصر

آثار اشتباه در قراردادها در حقوق مصر در قانون مدنی این کشور و در مواد ۱۲۰ تا ۱۲۴ و ماده ۱۴۰ قانون مدنی این کشور مشخص گردیده است. قانون مدنی مصر نیز اشتباه را در چند حالت مختلف فرض کرده است. در فرض اول، از «اشتباه اساسی» در ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ صحبت می‌کند که در خصوص مفهوم اشتباه اساسی در حقوق مصر نیز اختلاف نظر وجود دارد و قلمرو شمول واژه «جوهری» به‌خوبی مشخص نمی‌باشد و محل اختلاف است. در شرح این مفهوم و تشخیص آن از سایر اشتباهات، وصفی اساسی گفته شده است که در صورت عدم وجود این وصف در زمان انعقاد قرارداد، طرفی که در اشتباه بوده است، حاضر به انعقاد قرارداد نمی‌بود (Al-Sanhuri, 1988). ماده ۱۲۱ قانون مدنی مصر در مقام ارائه معیاری برای اشتباه اساسی است و مقرر می‌دارد: اشتباه در صورتی اساسی است که شدت آن به حدی باشد که اگر مرتکب اشتباه نمی‌شد، عقد را منعقد نمی‌کرد. اشتباه به‌ویژه زمانی اساسی تلقی می‌شود که: الف) هرگاه با در نظر گرفتن اوضاع و احوال پیرامون عقد و حسن نیتی که در روابط تجاری حاکم باشد، در کیفیت آن چیزی که طرفین آن را ضروری دانسته‌اند یا باید ضروری می‌دانستند، تأثیر داشته باشد و ب) در صورتی که بر هویت یا یکی از صفات شخصی که قرارداد با او منعقد شده است تأثیر داشته باشد، در صورتی که این هویت یا این کیفیت، عامل

پیدایش حق فسخ برای اشتباه‌کننده باشد، مگر در چهارچوب شرایط و مقررات بعضی اختیارات مانند خیار تخلف وصف و خیار عیب (Shahidi, 2023). اشتباه در اوصاف غیرمهم هیچ تأثیری در عقد ندارد. اشتباه ممکن است در شخص طرف معامله باشد که اشتباه در شخص طرف معامله را در دو فرض باید بررسی کرد: شخصیت طرف، علت عمده عقد نباشد و شخصیت طرف، علت عمده عقد باشد. در حالت اول، به استناد ماده ۲۰۱ ق.م. اشتباه در شخص طرف، به صحت معامله خللی وارد نمی‌سازد، اما در نوع دوم، اشتباه عقد را باطل می‌کند. به‌عنوان نمونه، عدم شناسایی یا اشتباه در طرف عقد نکاح، عقد را باطل خواهد کرد (Ansari, 2002). اشتباه در وضعیت مدنی شخص در عقد نکاح هم از این نوع اشتباه است (Katouzian, 2023a).

#### انگلستان

آثار اشتباه در حقوق انگلیس بدین نحو است که اثر اشتباه بطلان مطلق است و شاید به همین دلیل دامنه‌ای محدود دارد (Beale, 2012). اختلاف رویه‌ها و دخالت انصاف در این زمینه، نظام پیچیده‌ای را به وجود آورده است و برخی از مقررات خاص در کشورهای کامن‌لا به این پیچیدگی افزوده است (MacDougall, 2018). در حقوق انگلیس، سه نوع اشتباه مؤثر وجود دارد: مشترک، متقابل و فردی. اشتباه مشترک در موردی است که هر دو طرف قرارداد در یک اشتباه مشترک هستند؛ هرکدام از مقصود دیگری آگاه است و آن را می‌پذیرد؛ ولی هر دو نسبت به واقعیت در اشتباه هستند. برای مثال، نمی‌دانند که موضوع قرارداد از بین رفته است. اشتباه متقابل ناظر به فرضی است که دو طرف نسبت به مقصود یکدیگر دچار سوءتفاهم شده‌اند. برای مثال، فروشنده ماشین فورد خود را می‌فروشد و خریدار بدین پندار که ایجاب ناظر به اتومبیل شورلت او است آن را می‌خرد؛ یعنی توافق ظاهری است و ایجاب و قبول با هم مطابقت ندارد، و اشتباه فردی جایی است که تنها یکی از دو طرف در اشتباه است و دیگری می‌داند یا

بدون مراجعه به دادگاه ابطال نماید و هم اینکه امکان مراجعه به راهکارهای «انصاف» را دارد که فسخ عقد و خسارت را با هم بخواند و یا اینکه عقد را ننگه دارد و تنها خسارت بخواند.

#### مصر

در نظام حقوقی مصر، آثار تدلیس در مواد ۱۲۵ و ۱۲۶ قانون مدنی آمده است. قرارداد ممکن است به دلیل تدلیس باطل اعلام شود، زمانی که تصنعات انجام شده توسط یکی از طرفین یا نماینده او به حدی باشد که در صورت معلوم بودن در زمان عقد، طرف دیگر قرارداد را منعقد نمی‌کرد و سکوت عمدی از طرف یکی از طرفین در مورد یک واقعیت یا در مورد شرایط عقد، در صورتی که بتوان نشان داد که در صورت اطلاع طرف دیگر، قرارداد توسط طرف دیگر منعقد نمی‌شد، تدلیس محسوب می‌شود. طرفی که قربانی تدلیس توسط شخص ثالث شده باشد، تنها در صورتی می‌تواند تقاضای اجتناب از قرارداد را داشته باشد که ثابت شود طرف قرارداد دیگر از این تدلیس متقبلانه آگاه بوده یا لزوماً باید از آن مطلع بوده است.

#### اثر نفوذ ناروا

نفوذ ناروا در انگلستان به عنوان عیب اراده تلقی شده است و اثر نفوذ ناروا بر عقد مشابه زمانی است که رفتار غیرمنصفانه صورت گرفته است. این اثر از آن جهت است که در تصمیم‌گیری یک طرف قرارداد به گونه‌ای تأثیر می‌گذارد که قدرت لازم برای تصمیم‌گیری کاملاً آزاد و منطبق بر تشخیص مصلحت واقعی را از وی سلب می‌نماید. در نفوذ ناروا، همانند اکراه، به نحوه رضایت طرف ضعیف توجه می‌شود. در پرونده بانک تجاری استرالیا علیه آمادیو و نیز در پرونده دیپروز علیه لوث در سال ۱۹۹۲ این اثر مطرح شده است. در اعمال نفوذ ناروا، رضایت طرف تحت نفوذ، به دلیل نفوذی که طرف قوی بر او داشته است حاصل شده است. اثر نفوذ ناروا در انگلستان بطلان است و بطلان قرارداد صرفاً به این منظور که تعادل عوضین وجود ندارد، صورت نمی‌گیرد، بلکه

اصلی انعقاد قرارداد بوده است. قانون مدنی مصر اشتباه اساسی را موجب بطلان عقد می‌داند.

اشتباه دوم که در قانون مدنی مصر به آن اشاره شده است، «اشتباه در قانون» می‌باشد. به استناد ماده ۱۲۲ قانون مدنی مصر، در صورت عدم وجود حکم خلاف قانون، اشتباه در قانون مستلزم بطلان عقد است، در صورتی که اشتباه در قانون، مؤلفه‌های اشتباه را مطابق مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مدنی مصر برآورده کند.

نوع سوم اشتباه که در ماده ۱۲۳ به آن اشاره شده است، «اشتباهات محاسباتی» و یا «اشتباهات دفتری» می‌باشند که تأثیری بر قرارداد نداشته، اما باید اصلاح شوند.

#### آثار تدلیس

##### ایران

در ایران، تدلیس عیب اراده نمی‌باشد و تدلیس در زمره اختیارات ذکر شده است و بنابراین، به موجب ماده ۲۳۹ قانون مدنی، اگر بایع تدلیس نموده باشد، مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت و همچنین است بایع نسبت به ثمن شخصی در صورت تدلیس مشتری. عدم پذیرش تدلیس به عنوان عیب اراده در ایران موجب می‌شود تا اگر شخص فریب خورده بلافاصله پس از آگاهی از خیار خود استفاده نکند، حق وی برای فسخ از بین برود، درحالی‌که بستگی تدلیس و اشتباه به یکدیگر، اقتضایش این است که اگر از فوریت خود استفاده نکرد، بتواند از جهت اشتباه موضوع را مطرح کند.

##### انگلستان

تدلیس در انگلستان عنوان عیوب اراده در نظر گرفته شده است و در حقوق انگلیس، بستگی تدلیس و اشتباه مفهومی آشنا است (Ramage, 2006). در مواردی که تدلیس دارای چنان ماهیتی باشد که موجب اشتباه اساسی گردد، کامن‌لا عقد را باطل می‌انگارد. در سایر موارد که تدلیس مدلسانه بوده است، شخص تدلیس شده یا مدلس هم امکان استفاده از راه‌حل کامن‌لا را دارد که عقد را

هدف از دخالت دولت در انعقاد قرارداد، این است که از کسانی که به طور غیرمعمول در معرض خطر متقاعد شدن هستند، در برابر هر نوع استفاده احتمالی از نفوذ، صرف نظر از انگیزه شخصی استفاده کننده، حمایت کند، مگر اینکه ثابت شود مبنای قرارداد اعتماد نبوده است و یا اینکه قرارداد واقعاً به سود کسی است که تحت تأثیر نفوذ، آن را منعقد کرده است.

### اثر غبن

در ایران، غبن به عنوان عیوب اراده مطرح نشده است و تحت شرایطی به شخص مغبون خیار فسخ را می دهد. در انگلستان نیز غبن به طور مستقل مورد پذیرش قرار نگرفته است و حسب مورد در قالب اشتباه، اکراه و یا نفوذ ناروا قرار می گیرد که آثار هر کدام را در جای خود خواهد داشت. در کشور مصر، نوعی از غبن که در واقع غبنی فاحش و استثمار است، به عنوان عیب اراده تلقی گردیده است که موجبات بطلان عقد را فراهم می کند.

### نتیجه گیری

مصادیق عیوب اراده در سه کشور مورد مطالعه دارای تفاوت هایی مهمی است. در حقوق ایران، عیوب اراده منحصر به اکراه و اشتباه است. در حقوق انگلیس، عیوب اراده در چهار عنوان اکراه، اشتباه، تدلیس و اعمال نفوذ ناروا مطرح شده اند. تفاوت مصادیق عیوب اراده در ایران و انگلستان در خصوص تدلیس و اعمال نفوذ ناروا می باشد. در خصوص تدلیس در ایران باید گفت که علی رغم اینکه مقنن ایران، تدلیس را از عیوب اراده برنشمرده است، لیکن در مواردی که تدلیس موجب اشتباه می گردد، بدون تردیدی اراده معیوب می گردد. در خصوص اعمال نفوذ ناروا نیز باید گفت که در ایران، اعمال نفوذ ناروا در شرایطی می تواند اکراه محسوب شود و اثر اکراه بر آن بار شود. در نظام حقوقی مصر، عیوب اراده در سه عنوان اکراه، اشتباه و تدلیس مورد پذیرش قرار گرفته است و نوعی از غبن به نام غبن استثمار نیز که برگرفته از نظام حقوقی کشورهای عربی است، به عنوان عیب اراده تلقی می گردد.

در خصوص آثار اکراه در حقوق ایران، طبق ماده ۲۰۳ قانون مدنی، اکراه موجب عدم نفوذ معامله است، اگرچه از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود. در حقوق انگلستان، با توجه به آرای صادره از دادگاه ها و نظرات حقوقدانان، قراردادی که در آن اکراه اعمال شده باشد، قابل ابطال است و نه باطل و در کشور مصر نیز قرارداد اکراهی قابلیت بطلان را دارد.

در خصوص آثار اشتباه، در حقوق ایران، مطابق ماده ۲۰۰ قانون مدنی، منظور از اشتباه مذکور در ماده ۱۹۹، اشتباه در ذات موضوع معامله است و عدم نفوذی که از ماده ۱۹۹ قانون مدنی فهمیده می شود و در ماده ۲۰۰ عیناً ذکر شده است، به نظر می رسد که در معنی اعم خود، یعنی بی اثر بودن، به کار رفته و شامل بطلان و عدم نفوذ به معنی اخص می شود و ذکر اشتباه در کنار اکراه در ماده ۱۹۹ ق.م. موجب شده که حکم مشترک عدم نفوذ به معنی اعم، به آن دو نسبت داده شود و در ماده ۲۰۰، به دلیل ارتباط کامل با ماده ۱۹۹، تکرار گردد؛ زیرا عقد باطل را می توان عقد غیرنافذ نامید. در حقوق انگلستان، اثر اشتباه، بطلان مطلق است و شاید به همین دلیل دامنه ای محدود دارد. در کشور مصر، اثر اشتباه جوهری بطلان عقد است. همچنین اشتباه در قانون موجب بطلان عقد می گردد و به سایر اشتباهات توجهی نمی شود.

در خصوص تدلیس در حقوق ایران، اگر تدلیس در وصف جوهری و اساسی صورت پذیرد، مانند اشتباه، سبب بطلان عقد است و از عیوب اراده به شمار می آید. در حقوق انگلیس نیز همانند ایران، اگر تدلیس دارای چنان ماهیتی باشد که موجب اشتباه اساسی گردد، عقد را باطل می کند. در حقوق مصر نیز تدلیس با شرایطی به عنوان عیب اراده، منجر به بطلان عقد می گردد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## EXTENDED ABSTRACT

Defects of consent occupy a central position in contract law because the validity of any juridical act depends on the existence of a sound, informed, and free will. In Iranian law, the distinction between intention and consent has led to a specific classification in which mistake and duress are treated as the principal defects affecting consent, while fraud and lesion are generally addressed through remedial doctrines such as rescission rather than being formally classified as independent defects of will (Katouzian, 2023b; Safaei, 2023; Shahidi, 2023). In English law, the conceptual framework is broader and usually includes mistake, duress, misrepresentation, and undue influence as doctrines that undermine the voluntariness or authenticity of contractual assent (Anson et al., 2010; Hamilton, 2019; Stone, 2013). Egyptian law, influenced by civil-law traditions and Islamic jurisprudential concepts, recognizes mistake, fraud, and duress as principal defects of consent, while also accommodating exploitation-based lesion in certain circumstances (Al-Amrousi, 2016; Al-Sanhuri, 1988; Qaradaghi, 2002). This article therefore examines the manifestations and legal effects of defects of will in Iran, England, and Egypt through a descriptive, analytical, and comparative approach.

The first major defect is duress, which is recognized in all three legal systems, although its conceptual scope and legal consequences differ. In Iranian law, duress is generally understood as illegitimate material or moral pressure imposed on a contracting party, depriving consent of its full legal effect while not necessarily eliminating intention itself (Adl, 1960; Jafari Langroudi, 2023; Safaei, 2023). Accordingly, a coerced contract is normally treated as non-effective or suspended until later ratification, because the coerced party may have intended the legal act but lacked genuine satisfaction and free consent (Ansari, 2002; Khoei). English law

similarly treats duress as a serious impairment of contractual consent, particularly where pressure or threat compromises the free choice of the contracting party, and its modern development includes economic duress as a distinct and significant form of coercive pressure (Chitty, 2012; Mandaraka-Sheppard, 2014; Tamblyn, 2017). Egyptian law also expressly recognizes duress and permits avoidance of the contract when illegitimate coercion affects the will of the contracting party (Al-Sanhuri, 1988). Thus, although the systems differ terminologically, all three converge on the proposition that a contract generated by coercive pressure cannot be treated as an ordinary expression of contractual autonomy.

Mistake constitutes the second shared category of defects of will, but its legal effect varies considerably across the compared systems. In Iranian law, mistake is recognized in the Civil Code as a defect affecting the validity or effectiveness of juridical acts, especially where the mistake concerns the essence of the subject matter or the identity of the contracting party when that identity is the principal cause of the contract (Katouzian, 2023b; Shahidi, 2023). Iranian doctrine distinguishes between mistakes that destroy intention and lead to nullity, and mistakes that affect less essential qualities and may merely create a right of rescission under specific legal institutions (Doroudian, 2010; Emami, 2022). In English law, mistake traditionally has a narrower scope but more severe effect, because an operative mistake may render the contract void, particularly where there is no true consensus between the parties or where both parties are mistaken about a fundamental fact (Beale, 2012; MacDougall, 2018; MacMillan, 2010). Egyptian law recognizes essential mistake as a ground for avoiding the contract, particularly where the mistaken party would not have contracted had the truth been known (Al-Sanhuri, 1988; Ammar Sharif,

2010). Therefore, mistake reveals the strongest structural difference between these systems: English law tends to associate operative mistake with nullity, while Iranian and Egyptian law require more careful differentiation between types and degrees of mistake.

Fraud or misrepresentation represents another significant area of divergence. In Iranian law, fraud is not expressly classified in the Civil Code as an independent defect of consent in the same manner as mistake and duress, but its close relationship with mistake makes it capable of impairing will in substance, particularly where fraudulent conduct causes essential mistake (Habibzadeh, 2010; Jafari Langroudi, 1978; Katouzian, 2023b). Iranian law generally treats fraud through the doctrine of the option of fraud, allowing the deceived party to rescind the contract; however, if fraud affects an essential quality or the very subject of the contract, it may result in nullity rather than mere rescission. English law gives misrepresentation a broader doctrinal role and distinguishes fraudulent, negligent, and innocent misrepresentation, with remedies including rescission and, in appropriate cases, damages (Cartwright, 2012; Ramage, 2006; Zhou, 2010). Egyptian law expressly recognizes fraud as a defect of consent and treats fraudulent silence or deceptive conduct as legally relevant where it induces the other party to contract (Al-Amrousi, 2016; Al-Sanhuri, 1988). The comparative finding is that English and Egyptian law more directly classify fraud as a defect of consent, whereas Iranian law reaches similar substantive results through the interaction of fraud, mistake, and rescission.

Undue influence and lesion further demonstrate the conceptual diversity of the three legal systems. Undue influence is independently recognized in English law and arises where one party improperly exploits a

relationship of trust, authority, dependency, or vulnerability to procure contractual consent (Anson et al., 2010; Cheshire & Fifoot, 1988; Stone, 2013). Unlike duress, undue influence does not necessarily require explicit threat; it focuses instead on the improper use of relational superiority. Iranian and Egyptian law do not recognize undue influence as a fully independent category in the same way, but some of its manifestations may be analyzed under duress or related doctrines where illegitimate domination affects consent (Al-Sanhuri, 1988; Ibn Nujaym, 1968). Lesion also differs across the systems. Iranian law usually treats lesion as a ground for rescission rather than as a defect of will, because imbalance in exchange does not automatically prove impairment of consent (Emami, 2022; Katouzian, 2023b). Egyptian law, however, recognizes exploitation-based lesion where severe imbalance is combined with exploitation of weakness, recklessness, or uncontrolled desire (Qaradaghi, 2002; Zerouki, 2011). English law does not treat lesion as an independent doctrine, but similar outcomes may occur through mistake, duress, or undue influence (Peel & Treitel, 2007). These differences show that each system balances contractual stability and protection of vulnerable parties in a distinct manner.

In conclusion, the comparative study shows that duress and mistake constitute the common core of defects of will in Iran, England, and Egypt, while fraud, undue influence, and lesion reveal important doctrinal differences. Iranian law adopts a relatively narrower formal classification, but through doctrines such as non-effectiveness, nullity, and rescission, it still provides mechanisms for protecting a party whose will has been impaired. English law provides the most differentiated doctrinal structure by separately developing mistake, duress, misrepresentation, and undue influence, thereby offering flexible remedial tools such as

avoidance, rescission, and damages. Egyptian law occupies an intermediate position by expressly recognizing the principal defects of consent and by giving greater attention to exploitation-based imbalance through the doctrine of exploitative lesion. The central conclusion is that no single system provides a complete model on its own; rather, Iranian law may benefit from clearer recognition of fraud-related damages and more precise limitation rules for claims based on defects of will, while preserving its distinction between intention, consent, non-effectiveness, nullity, and rescission.

### References

- Adl, M. (1960). *Civil Law* (6 ed.). Amir Kabir.
- Al-Amrousi, A. (2016). *Commentary on Civil Law According to Schools of Jurisprudence and Modern Judicial Decisions in Egypt and Arab Countries: Part One*. Dar al-Jinan for Publishing and Distribution.
- Al-Sanhuri, A. R. (1988). *Al-Wasit* (Vol. 2). Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Allamah, H. (1992). *Qawa'id al-Ahkam* (1 ed., Vol. 2). Islamic Publishing Institute.
- Amid, H. (1996). *Amid Dictionary* (6 ed., Vol. 1-2). Amir Kabir.
- Amili, Z. a.-D. a.-J. (1992). *Masalik al-Afham fi Sharh Shara'i al-Islam* (Vol. 2). Institute of Islamic Knowledge.
- Ammar Sharif, M. K. (2010). *Rulings on Mistake: A Study in Legislative Methodology*. Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Ansari, M. (2002). *Al-Makasib* (6 ed., Vol. 3). Majma' al-Fikr al-Islami.
- Anson, W. R., Beatson, J., Burrows, A. S., & Cartwright, J. (2010). *Anson's Law of Contract*. OUP Oxford.
- Aryanpour Kashani, M. (1998). *Aryanpour Progressive Dictionary: English to Persian* (1 ed.). Jahan Rayaneh.
- Beale, H. (2012). *Mistake and Non-Disclosure of Fact: Models for English Contract Law*. OUP Oxford.
- Cartwright, J. (2012). *Misrepresentation, Mistake and Non-disclosure*. Sweet & Maxwell.
- Cheshire, G. C., & Fifoot, C. H. (1988). *Law of Contract*. LexisNexis Butterworths.
- Chitty, J. (2012). *Chitty on Contracts*. Sweet & Maxwell.
- Doroudian, H. A. (2010). *Civil Law 3 Lecture Notes*. Faculty of Law and Political Science, University of Tehran.
- Emami, H. (2022). *Civil Law* (40 ed., Vol. 3). Islamieh Bookstore.
- Habibzadeh, T. (2010). The Realization of Fraud in the Formation of Electronic Contracts. *Judiciary Legal Journal*(71).
- Hamilton, M. (2019). *Contract Law*. Pearson.
- Hosseini Amili, M. J. (2001). *Miftah al-Karamah fi Sharh Qawa'id al-Allamah*. Al al-Bayt Institute.
- Ibn Manzur, M. i. M. (1984). *Lisan al-Arab* (Vol. 6). Adab al-Hawzah.
- Ibn Nujaym, Z. a.-D. (1968). *The Great Islamic Encyclopedia*.
- Jafari Langroudi, M. J. (1978). *Encyclopedia of Civil and Commercial Law* (1 ed., Vol. 1). Rastad Foundation.
- Jafari Langroudi, M. J. (2023). *Legal Terminology* (9 ed.). Ganj-e Danesh.
- Katouzian, N. (2023a). *General Rules of Contracts* (9 ed., Vol. 1). Ganj-e Danesh.
- Katouzian, N. (2023b). *Introductory Course on Civil Law: Juridical Acts, Contract and Unilateral Act* (11 ed.). Ganj-e Danesh.
- Khoei, A. *Misbah al-Faqahah* (Vol. 3). Al-Davari Library.
- MacDougall, B. (2018). *Mistake in Contracting*. LexisNexis Canada Incorporated.
- MacMillan, C. (2010). *Mistakes in Contract Law*. Bloomsbury Academic.
- Mandaraka-Sheppard, A. (2014). *Modern Maritime Law and Risk Management*. Taylor & Francis.
- Merriam, W. (2010). *Merriam-Webster's Collegiate Thesaurus*. Merriam-Webster.
- Peel, E., & Treitel, G. H. (2007). *The Law of Contract*. Sweet & Maxwell.
- Qaradaghi, A. M. a.-D. A. (2002). *The Principle of Consent in Contracts: A Comparative Study in Islamic Jurisprudence and Civil Law: Roman, French, English, Egyptian, and Iraqi Law*. Dar al-Basha'ir al-Islamiyyah.
- Ramage, S. (2006). *A Comparative Analysis of Corporate Fraud: Fraud Law: Book Four*. iUniverse.
- Safaei, H. (2023). *Introductory Course on Civil Law* (34 ed.). Mizan.
- Shahidi, M. (2023). *Formation of Contracts and Obligations* (17 ed.). Majd Publications.
- Starke, J. G., Cheshire, G. C., Fifoot, C. H. S., Seddon, N., & Ellinghaus, M. P. (1992). *Cheshire and Fifoot's Law of Contract*. Butterworths.
- Stone, R. (2013). *The Modern Law of Contract*. Routledge.
- Stone, R., Devenney, J., & Cunnington, R. (2011). *Text, Cases and Materials on Contract Law*. Routledge.
- Tamblyn, N. (2017). *The Law of Duress and Necessity: Crime, Tort, Contract*. Taylor & Francis.
- Turner, C. (2013). *Unlocking Contract Law* (3 ed.). Taylor & Francis.

- Zerouki, A. (2011). *The Theory of Fraud in Contract: A Comparative Analytical Study in Civil Law*. Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Zhou, Q. (2010). *Misrepresentation in English Contract Law from an Economic Perspective*.